



می دانیم که هر کس اسم اعظم را بداند، دعای او مستجاب می شود و می تواند معجزات و کارهای خارق العاده و عجیبی انجام دهد، و مطابق روایات بسیار، امامان معصوم ما دارای اسم اعظم در سطح بالا بودند، تا آنجا که از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند: ((آصف برخیا (وزیر حضرت سلیمان) که تخت بلقیس را در یک لحظه از یمن به بیت المقدس آورد، فقط دارای یک حرف از اسم اعظم بود، ولی ما دارای ۷۲ حرف از اسم اعظم هستیم.))

اینک سوال این است که اسم اعظم چیست؟

پاسخ: اسم اعظم، تنها اسم و نام کلمه یا اسم صفتی از صفات خدا نیست، بلکه بیشتر مربوط به عمل است، لذا دانستن اسم الهی و لفظ تنها، کارساز نخواهد بود.

همانطور که نام فروردین ایجاد گل و گلستان نمی کند و اسم چراغ، شب تاریک را روشن نمی نماید، لذا باید در پشت این اسم، در جستجوی مسمی بود، اسم بی مسمی هرگز معجزه آفرین و دارای قدرت تصرف در جهان آفرینش نخواهد بود. به همین دلیل بلعم

باعورا که در عصر حضرت موسی(ع) می زیست و بر اثر علم و تقوا به مقامی رسیده بود که به اسم اعظم آگاهی یافته بود، و به

همین دلیل، دعایش مستجاب می شد، وقتی که هوس های نفسانی به او راه یافت و با موسی(ع) در ماجرای جنگ با عمالقه،

مخالفت کرد، این موقعیت از او گرفته شد و دیگر دعایش به استجابت نمی رسید، و نور اسم اعظم نیز از او خارج شد و تاریکی

گمراهی او را فرا گرفت. خداوند نیز در قرآن او را چنین نکوهش می کند: فمثله کمثل الکلب، مثل او همچون سگ است

نتیجه این که اسم حسنی و نام های الهی نشان گر همان صفات الهی هستند و کسی که به این صفات تخلق یابد و دارای مفاهیم

این صفات شود، یعنی مظهر این صفات، حتی بخشی از این صفات، گردد می تواند آن چنان تکامل روحی یابد که حامل اسم

اعظم گردد و خداگونه شود، وگرنه یک شخص گناهکار هرگز نمی تواند با تلفظ یک کلمه از اسم الهی، مستجاب الدعوه و مانند

آن شود.